

ترویجی

رویکردهای توسعه‌ای و سیاست‌های جمعیتی دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران

مجتبی طاهری^۱

علی پژهان^۲

محمدجواد محمودی^۳

علیرضا گلشنی^۴

چکیده:

سیاست جمعیتی دولت‌ها برحسب شرایط و مقتضیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه‌ها متفاوت است. در ایران، سیاست‌های جمعیتی در چهار دهه اخیر، فراز و نشیب‌هایی داشته و گاهی برافزایش و گاهی کاهش جمعیت تأکید کرده، بنابراین هدف مقاله حاضر بررسی این فراز و نشیب‌های سیاست‌های جمعیتی ایران در ۴ دهه اخیر با تأکید بر رویکردهای توسعه‌ای دولت‌ها بوده است. روش تحقیق در این پژوهش، اسنادی است که با بررسی سیاست‌های جمعیتی دولت‌های ایران و رویکردهای توسعه‌ای آنها مشخص شده است که مطابق با تغییر و تحولات تاریخی و همچنین فرایندهای شکل یافته و چرخش‌های صورت گرفته در رویکردهای توسعه دولت‌ها، سیاست‌های جمعیتی آنها تغییر یافته است. دولت‌هایی که با رویکرد نوسازی به توسعه نگاه داشته‌اند، سیاست‌های کاهش جمعیتی و دولت‌هایی که با رویکرد وابستگی به توسعه نگاه می‌کنند، سیاست‌های افزایش جمعیت را دنبال می‌کنند.

واژگان کلیدی: سیاست جمعیتی، توسعه، دولت‌ها، انقلاب، ایران

۱- گروه جمعیت‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- گروه جمعیت‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسوول)

۳- دانشیار و عضو هیات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۴- گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران

بیان مسئله

جمعیت به‌عنوان ستون اصلی هر جامعه مورد توجه سیاستمداران و تصمیم‌گیران سیاسی و دولت‌ها قرار گرفته است. بنابراین ایشان به موضوع جمعیت ورود کرده و گاه به تشویق ازدواج و باروری و زادوولد مبادرت می‌کنند و گاهی برنامه‌های تنظیم خانواده، محدود کردن باروری و کاهش رشد جمعیت را مورد توجه قرار می‌دهند و با اقداماتی می‌کوشند جلوی مهاجرت از بیرون مرزها را بگیرند یا مهاجرت جوانان به دیگر کشورها را محدود کنند و حتی بر روند مهاجرت روستا به شهر اثر گذارند. بنابراین همواره نقش دولت‌ها در این حوزه پررنگ‌تر می‌شود. امروزه نقش دولت‌ها در قالب سیاست‌های جمعیتی بیشتر مشهود است. سیاست جمعیتی عبارت است از: اندیشه‌ها و تصمیمات مدون جمعیتی که در راه منطقی کردن و هماهنگ ساختن ارکان و نهادهای اجتماعی و اقتصادی و مقررات و نظامات آنها اتخاذ می‌گردد. هدف و منظور این تصمیمات رفاه و بهروزی گروه‌های مختلف جمعیتی و حل «مسائل جمعیتی» است (امانی، ۱۳۷۹: ۱۵۷). در تعریف دیگر، سیاست جمعیتی را مجموعه اصول و تدابیری می‌دانند که چگونگی و حدود فعالیت دولت را در امور جمعیتی و یا اموری که نتایج جمعیتی دارند، تعیین می‌کند (بهنام، ۱۳۴۶: ۵۶).

در ایران برای اولین بار دولت از سال‌های ۱۳۴۱ به مسائل جمعیتی توجه کرد (کلانتری، ۱۳۷۸). در برنامه سوم عمرانی، به مسئله جمعیت در وزارت «بهداشت و تنظیم خانواده» توجه و در سال ۱۳۴۶ واحدی به نام بهداری وقت تأسیس شد. در مرحله دوم و پس از مدت کوتاهی که، سیاست‌های تنظیم خانواده به بوتۀ فراموشی سپرده شد، از سال ۱۳۶۸ به خاطر رشد بالای جمعیتی، این موضوع دوباره در دستور کار قرار گرفت (کلانتری، ۱۳۷۸: ۱۳). شرایط اجتماعی و روانی ناشی از انقلاب و جنگ تحمیلی باعث تشویق ازدواج و افزایش باروری شد. حاصل این شرایط، افزایش چشمگیر نرخ رشد جمعیت بود که در سرشماری ۱۳۶۵ دیده شد (مهریار، ۱۳۹۳: ۲۲). اگرچه این افزایش رشد جمعیت در ابتدا با استقبال مقامات وقت کشور روبه‌رو شد، ولی مشکلات تأمین غذا، امکانات آموزشی و خدمات بهداشتی - درمانی یک جمعیت بزرگ و در حال رشد، به‌زودی توجه مسئولان برنامه‌ریز کشور را به لزوم احیاء سیاست تنظیم خانواده و تحدید موالیید جلب کرد. برنامه جدید تنظیم خانواده که در سال ۱۳۶۷ رسماً اعلام شد و به‌عنوان جزئی از اولین برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور

به مرحله اجرا گذاشته شد، با استقبال عمومی غیرمنتظره‌ای روبه‌رو شد (لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، ۱۳۶۸). در دهه دوم انقلاب ۱۳۶۵-۱۳۷۵، موفقیت‌های چشمگیر برنامه‌های تنظیم خانواده در کشور باعث کاهش نرخ مولید و کنترل جمعیت شد. در این دهه، نرخ رشد جمعیت از ۳/۹ درصد در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ به ۱/۹۶ درصد در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ کاهش یافت و در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ به نرخ رشد ۱/۶۱ درصد و در دهه ۱۳۸۵-۱۳۹۵ به ۱/۲۴ درصد در سال رسید. تجزیه و تحلیل‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که کشور ایران پس از تجربه کاهش باروری، وارد مرحله جدیدی از تغییرات جمعیتی شده است. مشخصه اصلی این دوره جدید تحولات جمعیتی نه‌تنها افزایش جمعیت نیست، بلکه کاهش مداوم و مستمر باروری کمتر از حد جانشینی در درجه اول و سپس کاهش شدید رشد سالانه جمعیت است که به مسائل مهم جمعیتی تبدیل خواهند شد. این باروری زیر سطح جانشینی اگر در طول زمان مداوم و پایدار باشد، موجب بروز برخی از چالش‌های عمده برای کشور خواهد شد. اما در ایران متأسفانه به دلیل نبود سیاست‌های جمعیتی مشخص، برخی دولت‌ها بنابر سلیقه‌های شخصی خود دست به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جمعیتی می‌زدند. بعضاً مشاهده شده که برخی دولت‌ها سیاست‌های تشویقی کاهش باروری و برخی برعکس عمل می‌کرده‌اند. اما شواهد و قرائن نشان می‌دهد که از سال ۱۳۵۷ تاکنون دولت و مجلس و حتی روشنفکران جمعیتی به یک سیاست واحد نرسیده‌اند. فرازونشیب‌های سیاست‌های جمعیتی در چهار دهه اخیر و به‌ویژه مطرح‌شدن دیدگاه‌های مختلف و متضاد در خصوص سیاست‌های جمعیتی در این مقطع زمانی، بیانگر مسئله بودن این موضوع است. بنابراین تحلیل سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی دولت‌های بعد از انقلاب و نقش رویکردهای توسعه‌ای در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

مطالعات زیادی در ایران به بررسی سیاست‌های جمعیتی و نقش جمعیت در توسعه و تأثیر توسعه بر جمعیت پرداخته‌اند، البته اکثر این مطالعات فقط سیاست‌های مربوط به یک دوره را بررسی کرده‌اند. این مطالعات را در ذیل به آنها اشاره خواهیم کرد. عباسی شوازی و اوجاق (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که گفتمان بحرانی در رسانه‌ها با توجه به وجوه

مختلف گفتمان و با شدت بیشتری بازتولید شده است، حال آنکه گفتمان طبیعی، تنها از بعد توسعه مورد توجه واقع شده است. رحیمیان (۱۳۹۷) به این نتیجه رسید که توجه به آمایش سرزمین و توان‌ها و اقتضائات محیطی و اکولوژیکی فضای سرزمینی در بحث سیاست‌های تغییرات جمعیتی (افزایش یا مهاجرت) و اعمال آن ضرورت ویژه‌ای دارد. در مرحله باروری پایین، مشوق‌های جمعیتی به هیچ وجه باعث افزایش افسارگسیخته جمعیت نخواهد شد. اگر مدیریت کلان کشور در سطح عالی باشد، جمعیت ایران می‌تواند به ۱۵۰ میلیون نفر هم برسد. لذا همواره باید بین کمیت و کیفیت جمعیت توازن برقرار کرد. رحیمیان و ابراهیمی فر (۱۳۹۶) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که در هر کشور سیاست‌های جمعیتی به کلیه تمهیداتی که دولت و نهادهای اجرایی و قانونی برای تأثیر گذاشتن بر ویژگی‌های کمی و کیفی یک جمعیت تصویب و اجرا می‌کنند، حسینی (۱۳۹۶) معتقد است: سیاست‌گذاری در زمینه جمعیت، امری مسلم در همه دوره‌ها و مراحل گذار جمعیت‌شناختی است. امروزه جمعیت ایران در یک وضعیت متعارض گرفتار آمده است: از طرفی باروری پایین‌تر از سطح جایگزینی است، از سوی دیگر، تداوم این سطح از باروری به سالخوردگی جمعیت در چند دهه آینده منجر خواهد شد. بر پایه این بررسی، مدیریت درجه جمعیتی و ارتقای باروری، دست‌کم تا سطح جایگزینی به ترتیب باید در اولویت سیاست‌گذاری جمعیتی دولت قرار بگیرد. بررسی مسیرهای مداخله دولت برای ارتقای باروری نشان داد که سیاست‌گذاری برای افزایش سطح باروری بدون در نظر گرفتن عوامل، شرایط و زمینه‌های باروری پایین محکوم به شکست خواهد بود. مشهدی و فریادی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر سیاست‌های تقنینی بر نرخ رشد جمعیت در ایران، به این نتیجه رسیدند که سیاست‌های تقنینی ایران هیچ‌گاه یک جهت‌گیری مشخص در زمینه افزایش، کاهش و تعدیل جمعیت ایران را نداشته است و قوانین و مقررات ناظر بر تنظیم جمعیت، صرفاً یکی از عوامل اجتماعی مؤثر بر تنظیم نرخ رشد جمعیت به شمار می‌آید و عوامل فراوان دیگری مانند عوامل اقتصادی، اجتماعی، نگرش‌های فرهنگی و همچنین وضعیت محیط‌زیست و منابع طبیعی نیز در کاهش یا افزایش این نرخ مؤثرند. محمدجواد محمودی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان سالخوردگی جمعیت یک مسئله اجتماعی به این نتیجه رسید که در ایران، در سال ۱۳۹۴ حدود ۱۰ درصد جمعیت، بالای ۶۰ سال سن داشته‌اند، در ۳۵ سال آینده یعنی سال ۱۴۲۹، درصد سالخوردگی جمعیت

ایران به ۳۳ درصد افزایش خواهد یافت. آنچه این روند را در ایران مسئله‌آمیز می‌کند، نبود یک سیاست جامع جمعیتی و سند سالمندی است. اکنون نیز در صورت بی‌توجهی و سهل‌انگاری و فقدان برنامه‌ریزی، در آینده نزدیک نیز با مشکلات انبوه جمعیت سالخوردگان به‌ویژه زنان مواجه خواهیم شد. حسینی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به این نتیجه رسید، که افزایش نسل پاک از سیاست‌های جمعیتی مورد قبول اسلام است. دلایل انعطاف‌پذیری سیاست افزایشی جمعیت نیز، به فقه پویای مکتب اهل بیت(ع) تحلیل شده که با احکام ثانویه بر اساس مصالح عصری و مکانیسم‌های علم اصول و قواعد فقهی ممزوج گردیده است.

وانگ و ژانگ (۲۰۱۸) در پژوهشی که با عنوان «سیاست کنترل جمعیت و سرمایه‌گذاری سرمایه‌انسانی» انجام دادند: سیاست تک‌فرزندی در چین، باروری را به میزان قابل توجهی کاهش داده است. چنین تغییر ترکیبی جمعیت بر سرمایه‌انسانی تأثیر منفی می‌گذارد. این اثر ترکیبی برائز مبادله کمیّت و کیفیت حاکم است و این سیاست میانگین سطح سرمایه انسانی در چین را تقریباً ۱٪-۲٪ کاهش می‌دهد. ده ویتنه و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان دادند: که سیاستمداران محلی می‌توانند سیاست‌های مالی و مسکن را برای تحریک مهاجرت هنگام نزدیک شدن به آستانه جمعیت که در آن پاداش آنها افزایش می‌یابد، به‌طور استراتژیک تنظیم کنند. هرماوان و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «آیا الگوهای جمعیتی برای سیاست‌گذاری زیرساختی پایدار مهم است» نشان دادند در دوره ۱۹۶۰، ۲۰۱۰ برنامه‌ریزی توسعه ملی اندونزی بر اساس مجموعه‌ای از سیاست‌های جمعیتی استوار بوده است و سیاست‌های اقتصاد کلان، رفاه خانوار و آمایش سرزمینی همگی بر سیاست‌گذاری جمعیتی مؤثر بوده است.

مبانی نظری

به‌طور کلی می‌توان مجموع عقایدی را که قرن‌ها درباره جمعیت و تأثیر آن در اوضاع اقتصادی و اجتماعی عنوان شده است، در چهار گروه خلاصه کرد:

۱- طرفداران افزایش جمعیت^۱

افرادی که این گرایش را دارند به ناتالیست‌ها یا حامیان افزایش جمعیت مشهورند و سیاستی که موافق با این گرایش است، سیاست ناتالیستی نام دارد. ناتالیسم در حقیقت یک نظریه محسوب نمی‌شود، بلکه یک گرایش است. به عقیده دارندگان این گرایش، افزایش سریع جمعیت نه تنها مشکلات اقتصادی و رفتاری‌های اجتماعی به وجود نمی‌آورد، بلکه ازدیاد جمعیت در نیرومندی قدرت نظامی و اقتصادی کشورها نقش مهمی را ایفاء می‌نماید (کلانتری، ۱۳۷۵).

۲- مخالفان افزایش جمعیت^۲

در مقابل طرفداران افزایش جمعیت، دانشمندان دیگری افکار خود را متوجه مشخص کردن روابط میان جمعیت و مواد غذایی کردند و مشهورترین فرد میان آنان مالتوس بود که مطالعاتش منتهی به ارائه «اصول جمعیت» گردید که در حقیقت اولین مبانی یک سیاست جمعیتی بود (همان، ص ۱۱۴). این گروه که با افزایش جمعیت مخالف هستند به آنتی‌ناتالیست‌ها معروف‌اند. مکتب مخالفان افزایش جمعیت را مالتوسیانیسم نیز می‌نامند (کلانتری، ۱۳۷۵). مالتوس اصل جمعیت را قانون کلی می‌داند که حاکم بر افزایش جمعیت است. این قانون عبارت است از شکافی که بین گرایش طبیعی نوع بشر یعنی «قانون جمعیت» و گرایش طبیعی تولیدات کشاورزی یعنی «قانون معیشت» وجود دارد. براساس «قانون جمعیت»، جمعیت در طول هر ۲۵ سال و با تصاعد هندسی همانند: ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۶ و... به میزان ثابتی رشد می‌کند، در صورتی که بنا بر «قانون معیشت»، تولیدات کشاورزی و مواد غذایی بر اساس تصاعد حسابی مانند ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، و... افزایش می‌یابد.

1- Natalism

2- Antinatalism

۳- طرفداران ثبات جمعیت^۱

این عده با تغییر جمعیت چه در جهت منفی و چه در جهت مثبت مخالفت می‌ورزند. اینان در نظرات جمعیتی خود روش اعتدال را پیش‌گرفته‌اند و تغییر شمار جمعیت را سبب ازهم‌پاشیدگی نظام اجتماعی می‌دانند. این سخن از استوارت میل^۲، اقتصاددان انگلیسی طرفدار جمعیت ثابت است که می‌گوید: «اگر قرار بر این باشد که زمین ما لطف و زیبایی خود را فقط به خاطر افزایش ثروت‌ها و غذا دادن به تازه‌واردینی که نه خوشبخت‌تر و نه بدبخت‌تر از پدران خود خواهند بود از دست بدهد، صادقانه آرزو می‌کنم که اخلاف ما تا آنجا که ممکن است در ثبات جمعیت کشور خود بکوشند». پیروان جمعیت ثابت، هر نوع افزایش جمعیت را غیرمنطقی دانسته و معتقدند که باید از منابع و امکانات موجود به نحو احسن برای بهتر ساختن زندگی افراد موجود جامعه بهره‌برداری نمود (همان).

۴- طرفداران حدّ متناسب جمعیت^۳

اندیشه حدّ مطلوب جمعیت یا حدّ متناسب جمعیت از دیرباز مورد توجه اندیشمندان مختلف بوده است. مثلاً افلاطون، معتقد بود که بهترین رقم برای تعداد جمعیت می‌تواند نیازهای جامعه را چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ تأمین کند و همچنین موجب اجرای صحیح سیستم مالیات‌ها و تقسیم زمین بشود (بهنام، ۱۳۴۶). آلفرد سووی^۴، که خود واضع نظریه جمعیت متناسب است می‌نویسد: «مفهوم میزان جمعیت متناسب هر چند مبهم است اما به‌طور قطعی به این مسئله که آیا افزایش جمعیت باعث فقر و یا ثروت می‌شود پاسخ می‌گوید و آن را اگر بالاتر از حدّی باشد موجب رونق و اگر پایین‌تر از آن باشد سبب تنگدستی می‌شمارد. البته چون هدف معلوم باشد (بیشتر هدف اقتصادی موردنظر است) به نظر می‌رسد که پیروان مکاتب مختلف در مفهوم جمعیت متناسب توافق دارند» (سووی، ۱۳۴۰).

1- Malthusianism
2- John Stuart Mil
3- Stable Population
4- Alfred Sauvy

نظریات توسعه

نظریات توسعه، برای تبیین و بررسی پدیده‌های توسعه‌نیافتگی و نیز ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت از معضل توسعه نیافتگی، ارائه شده‌اند. این نظریات را می‌توان در سه مکتب عمده مورد بررسی قرار داد. در اواخر دهه ۱۹۵۰، نوسازی، پارادایم مسلط در بحث‌های توسعه بود. پارادایم وابستگی در آمریکای لاتین ظهور کرد و پاسخی به شکست برنامه‌های کمسیون اقتصادی آمریکای لاتین بود. مکتب نظام جهانی، سومین پارادایمی است که در این جا مورد بررسی واقع می‌شود.

مکتب نوسازی

نوسازی، در طول دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، پارادایم غالب در مطالعات توسعه بود. از این دیدگاه، توسعه در چشم‌اندازی تکاملی نگریسته و وضعیت توسعه‌نیافتگی برحسب تفاوت‌های قابل‌مشاهده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین ملت‌های فقیر و غنی تعریف شد. در این رهیافت، توسعه، فرایندی تقلیدی بود که در جریان آن، کشورهای کم‌تر توسعه یافته به تدریج صفات و کیفیات ملل صنعتی و پیشرفته غرب را به خود می‌گرفتند. سیاست‌های نوسازی که دلالت بر عقلانی‌سازی و مؤثر و کارا ساختن ساختارهای اقتصادی و اجتماعی دارند، نه تنها به‌عنوان عناصر هر استراتژی توسعه‌ای قلمداد می‌شوند، بلکه به مثابه عملکرد نیروهای تاریخی عام نگریسته می‌شوند. در اواخر دهه ۱۹۶۰، مکتب نوسازی تحت حملات روزافزون منتقدین قرار گرفت. در وهله نخست، منتقدین با توسعه تک‌خطی در این مکتب، به مخالفت برخاستند و این پرسش را مطرح ساختند که چرا کشورهای درحال توسعه باید لزوماً از مسیر کشورهای غربی حرکت کنند؟ از طرف دیگر، این فرض که در کشورهای در حال توسعه، باید از الگوی غرب پیروی کنند، عملاً این امکان را منتفی می‌سازد که کشورهای مزبور بتوانند الگوهای متفاوتی برای توسعه برگزینند.

مکتب وابستگی

رهیافت وابستگی، چشم‌انداز غالب در ادبیات توسعه و توسعه‌نیافتگی در دهه ۱۹۷۰ بود. این رهیافت، از بحث گسترده آمریکای لاتین پیرامون مسائل توسعه‌نیافتگی نشأت می‌گرفت و

همچنین نقد ویران‌کننده‌ای از پارادایم نوسازی اروپا محور را در بر می‌گرفت. پیام اساسی مکتب وابستگی این بود که توسعه اروپا، توسعه‌نیافتگی فعال دنیای غیراروپایی را به دنبال داشته است. اندیشمندان مکتب بر روی فرض‌های اساسی زیر اتفاق نظر دارند: ۱- آنان وابستگی را به‌عنوان فرایندی عام در نظر می‌گیرند که در مورد همه کشورهای جهان سوم صادق است؛ ۲- وابستگی به‌عنوان یک وضعیت خارجی قلمداد می‌شود، یعنی وضعیتی که از بیرون تحمیل شده است؛ ۳- وابستگی غالباً به‌عنوان یک وضعیت اقتصادی سنجیده می‌شود؛ ۴- وابستگی به‌عنوان بخشی از قطب‌بندی مناطق در اقتصاد جهانی قلمداد می‌شود؛ ۵- از نظر این نویسندگان، وابستگی و توسعه دو فرایند ناسازگارند.

مکتب نظام جهانی

ریشه‌های رهیافت نظام جهانی را می‌توان در تئوری وابستگی ردیابی کرد. این دیدگاه، جوامع را به سه دسته مرکز، پیرامون و شبه‌پیرامون تقسیم‌بندی می‌کند. از این چشم‌انداز، فرایند توسعه‌نیافتگی با ادغام شدن یک منطقه خارجی خاص در نظام جهانی، یعنی در حاشیه قرار گرفتن آغاز می‌شود و همان‌طور که نظام جهانی بسط و گسترش یافته، ابتدا اروپای شرقی، سپس آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا به ترتیب در حاشیه و پیرامون قرار گرفته‌اند. از نظر امانوئل والرشتاین، مهم‌ترین نظریه‌پرداز این مکتب، میزان موفقیت یک کشور در انتقال از موقعیت پیرامونی به نیمه‌پیرامونی، به پذیرش یکی از این راهبردهای توسعه بستگی دارد، اغتنام فرصت، ارتقا از طریق دعوت یا اعتمادبه‌نفس. از نظر وی، عنصر اساسی پیشرفت و ارتقای یک کشور نیمه‌پیرامونی، در اختیار داشتن بازاری بزرگ است که بتواند کاربرد فناوری پیشرفته را توجیه کند و کشور مزبور نیز بتواند با هزینه پایین‌تری نسبت به سایر تولیدکنندگان موجود، به تولید کالا برای آن بازار بپردازد. از اواسط دهه ۱۹۷۰، به تدریج گروهی از منتقدین، دیدگاه نظام جهانی را به ارائه یک مفهوم سخت و شیء‌گونه از نظام جهانی، غفلت از موارد خاص توسعه در طول تاریخ و برجسته کردن تحلیل اقشار اجتماعی در مقابل تحلیل‌های طبقاتی، متهم ساخته‌اند. به نظر والرشتاین نظام جهانی از قرن شانزدهم میلادی با پیدایش سرمایه‌داری و روابط تولیدی خاص به وجود آمده است. پدید آمدن نظام تولید همگانی و طبقه کارگر و نیز انباشت بی‌وقفه سرمایه در اروپا موجب

شد که اقتصاد اروپا به تدریج در جهان گسترش یابد. تجار، صنعتگران و سرمایه‌داران اروپا به علت افزایش توان و نیاز اقتصادیشان بقیه جهان را به نظام جهانی خود ملحق کردند (والرشتاین، ۱۹۸۰).

روش تحقیق

این مطالعه یک تحقیق توصیفی - تحلیلی است. روش تحقیق در این پژوهش اسنادی می‌باشد. در این تحقیق به دنبال چگونگی و چرایی اخذ و اجرای سیاست‌های دولت هستیم و می‌خواهیم بدانیم سیاست‌گذاری‌های جمعیتی چگونه بوده است. به عبارت دیگر در این تحقیق وضع موجود بررسی و سیاست‌های قبلی جمعیت توصیف می‌شود و ویژگی‌ها و خصوصیات آن سیاست‌ها بیان می‌شود و در صورت لزوم ارتباط بین این سیاست‌ها و شرایط زمان اخذ این سیاست‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت جمعیتی موجود و ابعاد آن پرداخته می‌شود.

یافته‌ها

۱- دهه اول انقلاب اسلامی (دولت بازرگان، شورای انقلاب و دولت رجایی و ...)

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، اقتصاد کشور دستخوش تحولات و نوسانات شدیدی شد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- دولتی کردن گسترده عرصه‌های اقتصادی در دوره پس از انقلاب؛ ۲- وقوع جنگ تحمیلی هشت‌ساله؛ ۳- فرار سرمایه‌های خصوصی؛ ۴- از کشور خارج شدن یا کنار گذاشتن نیروی انسانی متخصص؛ ۵- تحریم‌های اقتصادی علیه ایران. در سال‌های آغازین جنگ، تصمیم‌گیران سیاسی - اقتصادی، جنگ را دربردارنده مشکلات زیادی برای کشور نمی‌دانستند و درصدد نبودند که سیاست‌های اقتصادی را مطابق شرایط جنگی تغییر دهند. به همین دلیل، یک سال بعد از شروع جنگ، سال برنامه‌ریزی اعلام شد و برنامه اول توسعه ایران طراحی گردید، اما مجال اجرا نیافت. در دوره جنگ، دولت بر آن بود که در حال جنگ را ادامه دهد و نیازهای جنگ را از نظر مالی، پشتیبانی و نیروی انسانی را تأمین کند، بدون اینکه مجبور باشد محدودیت‌هایی را به اقتصاد تحمیل

نماید (عظیمی، ۱۳۸۰: ۱۵، ۱۸). روی هم رفته، وجود جنگ تحمیلی را می‌توان به‌عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌های اقتصادی کشور در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۶۷ دانست که مجال برنامه‌ریزی را کاهش داد. اما این دوره را می‌توان دوره سستیز با رویکرد نوسازی توسعه و چرخش به سمت رویکرد وابستگی توسعه دانست و در عرصه توسعه نیز با رویکردی غرب‌ستیزی، سعی در پاسداشت ارزش‌های سنتی در نظام فرهنگی با تمرکز بر نهاد خانواده داشت و در همین راستا نیز سیاست کنترل جمعیت و تنظیم خانواده به اجرا درآمده در سال‌های قبل از انقلاب را سیاستی استعمارگرایانه و امپریالیستی قلمداد می‌نمود که برداشت‌ها و خوانش‌های مذهبی و فقهی به همراه وجود جنگ تحمیلی علیه ایران، بیش‌ازپیش، زمینه را برای توجه هرچه بیشتر به نهاد خانواده و اجرای سیاست‌های افزایش جمعیت فراهم می‌کرد. طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵، با تغییر رویکرد توسعه، از رویکرد نوسازی به رویکرد وابستگی، اثرات آن در ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی و تبعات ناشی از آن بر نهاد خانواده به‌خوبی نمایان است. در این دوره تنها سیاست اتخاذ‌شده در زمینه افزایش جمعیت بود، در این دوره، سن قانونی ازدواج نیز، که قبل از انقلاب، به ترتیب ۱۸ و ۲۰ سال برای زنان و مردان تعیین شده بود، بعد از انقلاب اسلامی، در راستای تبعیت از احکام اسلامی، به ۱۳ سال برای زنان (که با اجازه مراجع قضایی تا ۹ سال نیز قابل کاهش بود) و ۱۵ سال برای مردان کاهش یافت (بلادی موسوی، ۱۳۷۸: ۸۹). بنابراین سیاست افزایش جمعیت و اقدامات مختلف در زمینه افزایش مولید، موجب شد که نرخ رشد جمعیت در کل کشور به ۳/۹ و در مناطق روستایی به ۲/۳۹ و در مناطق شهری به ۵/۴۱ درصد افزایش یابد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۰).

۲- دولت هاشمی رفسنجانی (دولت سازندگی)

در سال ۱۳۶۸ حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری رسید. با پایان یافتن جنگ و آغاز شرایط جدید در کشور مسئولان کشور از یک‌سو بازسازی ویرانی‌های جنگ و از سوی دیگر بر ضرورت پیشبرد توسعه کشور بر اساس الگوی مناسب با ارزش‌های اسلامی تأکید داشتند. بر این اساس با توجه به فراهم شدن زمینه و امکان برنامه‌ریزی، تدوین برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را آغاز کردند. در این سال‌ها اولین اقدام مجلس و دولت، تدوین برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بود. در

برنامه اول توسعه (۱۳۷۲ - ۱۳۶۸)، رشد اقتصادی از اساسی‌ترین نیازهای توسعه ملی به شمار آمد و سیاست‌های اقتصادی برای افزایش تولید در دستور کار قرار گرفت، باتوجه به رشد بیش از اندازه جمعیت در دهه اول انقلاب، مسئله جمعیت، به‌عنوان یک عامل اساسی در کاهش میزان توسعه و در نتیجه افزایش هزینه‌ها برای دولت مورد توجه قرار گرفت و از همین برنامه، باتوجه به شاخص‌های توسعه، سیاست‌های عملی خاصی برای تغییر در نظام اجتماعی و به تبع آن نهاد خانواده و در نتیجه کنترل و کاهش جمعیت، باتوجه به خصیصه برنامه اول که بر محور رشد اقتصادی و گسترش روزافزون توسعه قرار داشت، به اجرا درآمد. اهداف اصلی برنامه اول توسعه را می‌توان، ایجاد تحرک در سرمایه‌گذاری، اشتغال مولد، رشد اقتصادی با تأکید بر کاهش وابستگی، کاهش نرخ رشد جمعیت و کاهش نرخ مرگومیر، افزایش نرخ باسوادی و پوشش تحصیلی، بازسازی و نوسازی و تجهیز بنیه دفاعی و ظرفیت‌های تولیدی و زیربنایی خسارت‌دیده، سازمان‌دهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت دانست (سازمان برنامه‌بودجه، ۱۳۷۲). برنامه پنج ساله دوم توسعه (۱۳۷۸ - ۱۳۷۴) به‌مانند برنامه اول توسعه، رشد و توسعه اقتصادی را از اصلی‌ترین اهداف خود می‌دانست، و با تداوم آن در نظام اجتماعی ایران و به‌ویژه نهاد خانواده تأثیر عمیقی گذاشت، تا نرخ کاهش جمعیت، که از برنامه اول دنبال می‌گردید، کماکان به کاهش خود ادامه دهد.

در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۶۵، باتوجه به چرخش دوباره رویکرد توسعه، از رویکرد وابستگی به توسعه در دهه اول انقلاب، به سمت سوی توسعه مبتنی بر رویکرد نوسازی اجرا شده در قبل از انقلاب (در دوره پهلوی)، و تغییر در سیاست‌های جمعیتی از افزایش به کاهش رشد جمعیت، در دوره ریاست جمهوری آیت‌الله رفسنجانی، در طول اجرای برنامه اول و دوم توسعه، تغییراتی اساسی در ساختار خانواده و جمعیت، در ابعاد مختلف، به وقوع پیوست. به رغم این‌که دولت تا اواخر دهه اول انقلاب، سیاست مدونی در مورد برنامه‌های تنظیم خانواده نداشت، ولی تبعات شتابان افزایش مولید، باتوجه به محدودیت منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه را برای جلب حمایت بسیاری از علمای عظام و روحانیون از برنامه‌های تنظیم خانواده فراهم ساخت و به برنامه‌های تنظیم خانواده دولت مشروعیت بخشید و در نتیجه موجب تغییرات شگرفی در نهاد خانواده گردید، تا جایی که در دهه دوم بعد از انقلاب، تقریباً مقارن با برنامه پنج ساله اول و دوم توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور (۱۳۷۷ - ۱۳۶۸)، کنترل

جمعیت، در این دو برنامه، از اولویت ویژه‌ای برخوردار گردید (کاوه فیروز، ۱۳۸۰). در ذیل سیاست‌های جمعیتی در دوران هاشمی آورده شده است:

سیاست‌های جمعیتی مصوب شده در برنامه اول توسعه

شرایط اجتماعی و روانی ناشی از انقلاب و جنگ تحمیلی باعث تشویق ازدواج و افزایش باروری شد. حاصل این شرایط، افزایش چشمگیر نرخ رشد جمعیت بود که در سرشماری ۱۳۶۵ دیده شد (مهریار، ۱۳۹۳: ۳۲). اگرچه برنامه جدید تنظیم خانواده که در سال ۱۳۶۷ رسماً اعلام و به‌عنوان جزئی از اولین برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به مرحله اجرا گذاشته شد، با استقبال عمومی غیرمنتظره‌ای روبه‌رو شد و توانست در سال‌های ۱۳۷۰ - ۱۳۶۵ نرخ زادوولد را بسیار کاهش دهد. این کنترل جمعیت از مهمترین اهداف برنامه‌های توسعه اول (کاهش باروری عمومی زنان تا حد ۴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۲،۳ درصد در سال ۱۳۹۰) قرار گرفت (لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، ۱۳۶۸).

ایجاد شورای «تحدید مولید» در وزارت بهداشت در سال ۱۳۶۸

مخالفت نکردن و حتی حمایت برخی رهبران مذهبی به برنامه‌های تنظیم خانواده دولت مشروعیت بخشید و این مشروعیت، زمینه‌ساز اقدامات و وضع قوانینی برای تحدید نسل شد که با ایجاد شورای «تحدید مولید» در وزارت بهداشت در سال ۱۳۶۸ شروع و برنامه‌های تشویقی کنترل جمعیت، اجرایی شد. همچنین در سطح سیاست‌های اجرایی نیز در این برنامه وظایف بسیاری از جمله پوشش برنامه تنظیم خانواده به منظور پیشگیری از تولد یک‌میلیون نوزاد ناخواسته برعهده وزارت بهداشت و درمان نهاده شد.

تصویب قانون تنظیم خانواده و جمعیت

این قانون که مورخ ۱۳۷۲/۲/۲۶ تصویب شد و مورخ ۱۳۷۲/۳/۲ به تأیید شورای نگهبان رسید، مهمترین قانون، در اجرای سیاست تحدید نسل و کاهش نرخ باروری به شمار می‌رود، انگیزه‌ها و پاداش‌های متعلق به خانواده‌های پرآلود را از فرزند سوم به بعد قطع کرد و مبنای قانونی مشخصی برای اعمال سیاست‌های کنترل مولید و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده با تقسیم کار ملی برای دستگاه‌ها فراهم ساخت و در کنار این اقدامات، اشتغال زنان

را نیز به شدت دنبال کرد. این سیاست‌ها در قوانین بیمه‌ای، خدمات کشوری و برنامه‌های توسعه نیز با همان شدت و حدت دنبال شد.

کنوانسیون حقوق کودک

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱ نیز تنظیم خانواده و ایجاد فضای مناسب برای رشد و بالندگی کودکان را به‌عنوان یک تعهد عمومی بر عهده کشورهای نهاده است. از این‌رو دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در چارچوب ماده ۹ قانون مدنی، تعهداتی را در این زمینه پذیرفته است. در این‌باره می‌توان به قسمت «و» بند ۱ ماده ۲۴ کنوانسیون اشاره کرد که توسعه مراقبت‌های بهداشتی و آموزش تنظیم خانواده و خدمات مربوطه را یک تعهد عمومی برای کشورهای طرف کنوانسیون می‌نامد.

تصویب برنامه دوم توسعه

برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸ - ۱۳۷۴) که در سال ۱۳۷۳ تصویب شد در بخش سیاست‌های جمعیتی (بند ۵-۲) به موضوع تنظیم خانواده و کاهش مولید پرداخت. در این برنامه، به دلیل ضرورت پیگیری مسئله تنظیم خانواده و کاهش عواقب ناشی از رشد جمعیت، ضمن ادامه و تقویت سیاست‌های جمعیتی برنامه پنج ساله اول، راهکارهای مختلفی با توجه به بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهت تغییرات گسترده‌تر در نهاد خانواده داده شد.

- گسترش سطح آگاهی عمومی به‌ویژه بانوان در خصوص مزیت‌های کنترل باروری و زیان‌های ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت؛
- آموزش مسائل جمعیت در قالب مواد درسی؛
- تأمین و تعمیم گستره خدمات، وسایل و روش‌های پیشگیری از بارداری؛
- لغو کلیه قوانین و مقررات و امتیازهای اقتصادی- اجتماعی مشوق خانوارهای پرجمعیت (حلم‌سرشت، ۱۳۸۵).

- حقوق دوران بارداری مصوب ۱۳۷۵/۹/۲۱ هیئت وزیران

قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی، مصوب ۱۳۷۴/۹/۲۲ با اصلاحات بعدی و آیین‌نامه اجرایی آن، مصوب ۱۳۷۵/۹/۲۱ هیئت وزیران، حقوق دوران بارداری را برای بانوان مشخص می‌کند. بر اساس ماده ۳ این قانون، مرخصی زایمان تا ۳ فرزند برای مادرانی که فرزند خود را شیر می‌دهند، در بخش‌های دولتی و غیردولتی ۶ ماه است. بر اساس تبصره ۱ این ماده، مادران شیرده پس از بازگشت به کار، در صورت ادامه شیردهی، می‌توانند حداکثر تا ۲۴ ماهگی کودک، روزانه یک ساعت از مرخصی بدون کسر از مرخصی استحقاقی بهره‌مند شوند. به موجب تبصره ۲ این ماده، امنیت شغلی مادران پس از پایان مرخصی زایمان و در هنگام شیردهی باید تأمین شود؛ اما ضمانت اجرایی خاصی برای این منظور پیش‌بینی نشده است.

۳- دولت سید محمد خاتمی (دولت اصلاحات)

در سال‌های ۸۴-۷۶، با رأی مردم، سید محمد خاتمی با گفتمان اصلاحات به ریاست جمهوری رسید. خاتمی در آستانه انتخاب خود به‌عنوان ریاست جمهوری در مورد اقتصاد ایران گفت: «اقتصاد ما بیمار است و تا این بیماری به‌صورت اصولی درمان نشود، مشکلات اقتصادی ما حل نمی‌شود. بسیاری از کارهای بزرگی که در دوران سازندگی انجام شده، چون در متن یک اقتصاد بیمار قرار گرفته، مشکلات دیگری به بار آورده و اصولاً نتوانسته اهداف مربوطه را برآورده سازد» (محمد خاتمی، ۱۳۸۰: ۱۴). بر این اساس با شروع به کار دولت جدید به‌منظور حل مشکلات ساختاری اقتصاد کشور، و مواجهه با بحران کاهش شدید درآمدهای نفتی، بررسی‌هایی برای چگونگی حل مشکلات اقتصاد کشور تحت عنوان سامان‌دهی اقتصادی کشور، آغاز گردید (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۰) در این طرح که در راستای برنامه دوم (۷۸ - ۷۴) توسعه کشور بود، تلاش گردید که تحقق عدالت اجتماعی در برنامه نقش پررنگ‌تری داشته باشد. در برنامه دولت بر ضرورت تداوم رشد اقتصاد کشور همراه با صیانت از اقشار کم‌درآمد و حفظ قدرت خرید مردم تأکید می‌شد (روزنامه اطلاعات، ۷۹/۱۲/۲۷، (اطلاعات ضمیمه)، گزارش مکتوب رئیس‌جمهوری مردم، ص ۲). این تأکید دولت بر ضرورت هم‌زمانی رشد و عدالت در واقع مورد تأکید رهبریت نظام و اکثریت مسئولان کشور و نمایندگان مجلس بود و آنان نیز در تدوین و تصویب برنامه دوم و

سوم توسعه بر ضرورت توأمان بودن رشد و عدالت تأکید کرده بودند و بر این اساس دولت خاتمی در عرصه اقتصادی همواره با تأکید بر ضرورت پیروی از قانون برنامه دوم (که در دوره قبل به تصویب مجلس رسیده بود) و برنامه سوم (که در دوران دولت خاتمی به تصویب مجلس رسید) تلاش کرد، در این راه قدم بردارد. دولت بر اساس گفتمان خود معتقد بود که برای بهبود اقتصادی هم‌زمان باید با تقویت نهادهای مدنی و افزایش پتانسیل‌های درونی، روند دموکراسی دینی را در کشور تقویت نمود و شفافیت پاسخگویی و قانون‌مداری را افزایش داد. برآمدن گفتمان اصلاحات را باید، برآیند جنبشی شهری دانست که پایه‌های اصلی آن بر دوش طبقه متوسط جدیدی بود که بسیاری از این افراد را باید ساخته دوران هاشمی رفسنجانی دانست (تضمینی، ۲۰۰۹: ۵۶ - ۵۱). از نشانه‌های گفتمان دموکرات اسلامی، می‌توان به مواردی چون قانون، توسعه سیاسی، توسعه جامعه مدنی، دولت دینی به‌جای دین دولتی، حقوق و آزادی‌های فردی، حقوق شهروندی، عدالت، معنویت و کرامت انسانی، باور به برداشت و خوانش ملایم از دین، فقه پویا، سیاست استوار بر اخلاق، تلاش برای تحقق پاسداشت حقوق زنان و اقلیت‌ها، دولت پاسخگو، ایران برای ایرانیان، باور به فعالیت بخش خصوصی و تعاونی در امر اقتصاد، رواداری و نفی خشونت، تمرکززدایی از قدرت، گفت‌وگوی تمدن‌ها، ارتباط با جهان، به‌ویژه غرب، جریان آزاد اندیشه، رسانه، دولت و جامعه مقتدر را سامان می‌دادند (تاجیک، ۱۳۷۹).

توسعه اجتماعی به اجرا درآمده در دولت خاتمی، با رویکرد نوسازی را می‌توان در چارچوب توسعه پایدار، زن در توسعه و توسعه انسانی دانست، که در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و... موجب ایجاد تغییرات اساسی در نظام اجتماعی ایران و به تبع آن ساختار موجود در نهاد خانواده گردید، که از طریق تدوین برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، تداوم و پایداری آن حفظ گردید (برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۹: ۸۳). این برنامه که به «برنامه اصلاح ساختاری» مشهور بود، گسترش هرچه بیشتر آزادی‌های مختلف، در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، ارتقای امنیت انسانی، عدالت اجتماعی، ارتقای سلامت و حفظ محیط‌زیست، ایجاد عدالت توزیعی و تأسیس مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری و... را در دستور کار خود قرارداد. در کل می‌توان عنوان نمود، که برنامه سوم توسعه کشور، اولین برنامه‌ای است که در آن، عدالت توزیعی همراه با رویکرد جنسیتی مدنظر قرار گرفت و با نگرش سیاست‌گذاران،

مبتنی بر باور مشارکت بیشتر زنان در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی همراه گردید (محتشمی، ۱۳۸۴: ۴۵). برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸) باتوجه به رویکرد نوسازی توسعه و شاخص‌های موجود آن (توسعه انسانی، توسعه پایدار و...) تدوین گردید و با محور قرار دادن دانایی در امر توسعه (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۵)، هدفمند نمودن یارانه‌ها، برپایه نظام کارآمد و فراگیر و جامع تأمین اجتماعی، توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا را مدنظر قرارداد. به صورتی که در نگرش دست‌اندرکاران تدوین برنامه چهارم، ابعاد توسعه پایدار، مانند محیط‌زیست، منافع نسل آینده و کیفیت زندگی فردی، بیش‌ازپیش، جایگاه روبه رشدی یافت (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸) که نشان از وجود نگرش‌های انسان‌محور در فرایند تدوین برنامه چهارم توسعه و ورود هر چه بیشتر شاخص‌های زندگی مدرن به ساختار نهاد خانواده دارد (برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۸-۱۳۸۴). مقایسه برنامه سوم و چهارم توسعه گویای آن است که برنامه سوم توسعه بر اساس ایده زن در توسعه و برنامه چهارم بر اساس جنسیت و توسعه، تهیه و تنظیم شده است (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۴). مواد مختلفی از برنامه چهارم توسعه که به تنظیم و ارائه لوایح مربوط به تحکیم نهاد خانواده و تهیه برنامه‌های پیشگیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی به منظور رفع خشونت علیه زنان می‌پردازد، اصطلاحاتی است که از سند پکن گرفته شده است. بنابراین، تأثیر اجرای برنامه‌های مختلف توسعه در دوره اصلاحات، به همراه اجرای سیاست‌های جمعیتی وابسته به آن، موجب گردید که تغییر و تحولات عمده‌ای در ابعاد مختلف نهاد خانواده و ساختار جمعیتی و مباحث مرتبط به آن شکل گیرد. به صورتی که گزارش‌ها، حاکی از آن است که میزان استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری، در دهه سوم انقلاب و در سال ۱۳۸۹ به حدود ۷۷ درصد رسیده بود (دفتر سلامت خانواده و جمعیت، ۱۳۸۹). در ذیل سیاست‌های جمعیتی در دوران خاتمی آورده شده است:

سیاست‌های جمعیتی مصوب شده در برنامه سوم و چهارم توسعه

در دو برنامه سوم و چهارم توسعه، به‌طور مشخص بحثی درباره کنترل افزایش جمعیت صورت نگرفت و سیاست‌های کنترل موالید مانند گذشته تکرار نشد؛ بلکه بر تقویت نهاد خانواده بر اساس آموزه‌های میراث معنوی جامعه ایرانی تأکید شد.

مصوبه هیئت وزیران در خصوص راهکارهای اجرایی حوزه‌های بخشی قانون برنامه سوم توسعه، مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۲۱

ماده ۵، بند چهارم بخش بهداشت و درمان از قسمت راهکارهای اجرایی امور اجتماعی این مصوبه، در زمینه تنظیم جمعیت مقرر می‌دارد، به‌منظور استمرار سیاست تحدید موالید و ایجاد تعادل میان منابع و میزان رشد جمعیت، سیاست‌گذاری جمعیتی در بخش بهداشت و درمان باید بر اساس این اصول صورت پذیرد:

کاهش میزان زادوولد و مرگ‌ومیر مادران و نوزادان؛

- کم کردن بارداری در سنین کمتر از هجده سال و پیشگیری از بارداری‌های ناخواسته؛
- اصلاح موقعیت اجتماعی زنان و توانمندسازی آنان در فرایند توسعه کشور؛
- ارائه آموزش‌های لازم در سطح مناسب آموزش و پرورش عمومی در اجرای سیاست‌های تحدید موالید؛
- تشویق روستاییان به اقامت در روستا از طریق فراهم کردن امکانات بهداشتی - درمانی در روستاها؛
- ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی برای اجرای دقیق قانون تنظیم خانواده؛
- برنامه‌ریزی برای بهبود کیفیت خدمات تنظیم خانواده و استاندارد کردن آن؛
- جلب مشارکت معتمدان جامعه همچون روحانیان و معلمان در زمینه تشویق مردم به استفاده از روش‌های مطمئن پیشگیری از بارداری و کنترل جمعیت.
- این مصوبه برای نخستین بار رویکردی جامع به موضوع نرخ رشد جمعیت دارد. بدون آنکه سیاست کنترل آماری در این زمینه در پیش بگیرد. بند «الف» این ماده، برای نخستین بار در این نظام حقوقی ایران، عبارت «ایجاد تعادل بین منابع و میزان رشد جمعیت» را به کار می‌برد که هدف آن تنظیم و تعدیل میزان رشد جمعیت با منابع موجود در کشور است؛ اما این مصوبه با وجود اشاره به این هدف مهم، سازوکارهای لازم برای تحقق آن را مشخص نمی‌کند و صرفاً به بیان برخی راهکارهای تشویقی بهداشتی و فرهنگی می‌پردازد. حال آنکه ایجاد تعادل میان منابع کشور و نرخ رشد جمعیت، مستلزم ساز و کارهای اجباری، مشارکتی و داوطلبانه فراوان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی است که نه‌تنها در این

مصوبه، بلکه در دیگر مصوبات راجع به تنظیم جمعیت نادیده گرفته شده است.

۴- دولت محمود احمدی‌نژاد (دولت مهرورزی و عدالت)

در سال ۸۴ دکتر محمود احمدی‌نژاد با گفتمان جدیدی در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد. احمدی‌نژاد با گفتمانی انتقادی به نقد بنیان‌های نظری رویکرد دولت‌های گذشته به توسعه و عملکرد اقتصادی آنان پرداخت و آنها را متهم به عدم توجه همه‌جانبه به مناطق مختلف کشور و کم‌توجهی به مقوله عدالت اقتصادی می‌کرد. براین اساس احمدی‌نژاد خواستار دگرگونی بنیادین در برنامه توسعه کشور و به‌صورت خاص برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸ - ۱۳۸۴) که در زمان دولت پیشین طراحی و توسط مجلس به تصویب رسیده بود، شد (ارزیابی کلی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب، کمیسیون برنامه‌بودجه مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۹) و تأکید می‌کرد که برنامه‌های توسعه کشور به حد لازم به آرمان اقتصاد عدالت محور اسلامی تأکید ندارند و این امر تفاوت‌های فاحشی بین مناطق مرکزی کشور و مناطق پیرامونی ایجاد کرده و وضعیت طبقات پائین جامعه را بهبود نبخشیده است. بر این اساس برای اصلاح برنامه چهارم گام برداشت (دولت ایرانی - اسلامی، ۱۳۸۷) که نهایتاً در بهمن سال ۱۳۸۶ برنامه توسعه چهارم مورد بازنگری قرار گرفته و به تصویب قطعی مجلس رسید، اما علی‌رغم این اقدامات، باید گفت که در این دوران عملاً برنامه چهارم متوقف شد و انحلال سازمان برنامه این توقف را تداوم بخشید. بر این اساس دولت نهم جهت‌گیری‌های مورد نظر خود را در عرصه اقتصاد پیگیری نمود. احمدی‌نژاد تأکید می‌کرد، دولت در تلاش است اصلاحات در بخش‌های مختلف از جمله نظام مدیریت و برنامه‌ریزی و بانک‌ها را محقق کند. وی برنامه‌ای به نام تحول اقتصادی را مطرح ساخت که در این راستا دولت اقدام به تأسیس صندوق مهر امام رضا، طرح بنگاه‌های زود بازده، طرح مسکن مهر، توزیع سهام عدالت، طرح هدفمندسازی یارانه‌ها کرد.

در طول ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، سیاست خارجی ایران، احیای اصول و ارزش‌های سال‌های اولیه انقلاب را تداعی کرد. وی وضع موجود نظام بین‌الملل را مورد انتقاد قرارداد و ضمن نامناسب دانستن آن، بر لزوم تغییر آن تأکید کرد. او در سخنرانی ۱۰ اکتبر ۲۰۰۹ اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه از ارزش‌های انقلابی خود دست برنمی‌دارد و به برنامه‌های شرق و غرب پاسخ می‌دهد. البته نگاه به شرق اولویت سیاست خارجی

دولت‌های او را تشکیل می‌دهد. این رویکرد نشانگر تفاوت فاحش سیاست خارجی احمدی‌نژاد با رویکرد رؤسای جمهور پیشین یعنی اصلاح‌طلبان و پراگماتیست‌ها داشته است (مولانا و محمدی، ۱۳۸۸). او برعکس رؤسای جمهور قبلی ایران، روابط میان کشورهای فقیر و غنی را نیز مورد انتقاد شدید قرارداد و بیان داشت که جهان نیازمند تحولات بزرگ به نفع همه ملت‌هاست که نشان می‌دهد رویکرد احمدی‌نژاد به توسعه بر اساس مکتب وابستگی بوده است. بر همین اساس وی تلاش کرد تا سیاست خارجی فعالانه‌ای در گسترش روابط با این دسته از کشورها برقرار کند. همین امر نیز باعث شد تا عده‌ای از کارشناسان از سیاست خارجی وی با عنوان جهان سوم‌گرایی یاد کنند (ارغوانی، پیرسلامی، ۲۰۱۳). این مؤلفه‌ها حاکی از بازگشت معیارهای انقلابی و ایدئولوژیکی در سیاست خارجی ایران بود. غرب‌ستیزی یکی دیگر از عناصر گفتمانی دولت نهم و دهم در موضوع زنان است. نگاه انتقادی به غرب و اتخاذ مواضع غرب‌ستیزانه نه تنها در گفتمان کلان دولت وجود داشت، بلکه در حوزه زنان نیز تحلیل متون تولید شده پیرامون مسائل زنان حکایت از پررنگ بودن این عنصر در گفتمان دولت دارد.

بنابراین دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد را می‌توان دوره‌ستیز با رویکرد نوسازی توسعه، و چرخش به سمت‌وسوی استیلای رویکرد مکتب وابستگی دانست و در عرصه توسعه اجتماعی نیز با رویکردی غرب‌ستیزانه، سعی در پاسداشت ارزش‌های سنتی در نظام فرهنگی با تمرکز بر نهاد خانواده داشت و در همین راستا نیز سیاست کنترل جمعیت و تنظیم خانواده به اجرا درآمده در سال‌های بعد از جنگ را سیاستی غربی علیه ایران قلمداد می‌نمود و زمینه را برای توجه هر چه بیشتر به نهاد خانواده و اجرای سیاست‌های افزایش جمعیت فراهم می‌کرد. در ذیل سیاست‌های جمعیتی دولت احمدی‌نژاد آمده است:

سیاست‌های جمعیتی مصوب در برنامه پنجم توسعه

رویکرد سیاست‌های کلی قانون برنامه پنجم، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱، تقویت رشد فکری و علمی و تلاش برای رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی آنان، توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و توانایی‌های آنان (ماده ۱۳) و حمایت از گروه‌های محروم و زنان سرپرست خانوار (ماده ۳۵ بند ۷) است. در این

قانون در بند م ماده ۱۹۴ بر جوان‌سازی بافت جمعیتی مناطق روستایی و عشایری و نیز در ماده ۴۳ بر تسهیل ازدواج و تحکیم بنیان خانواده تأکید داشت.

اصلاح قانون تنظیم خانواده و جمعیت

بدیهی است که رویکرد ماده ۱ قانون تنظیم خانواده و جمعیت درباره ممنوعیت بهره‌مندی فرزندان چهارم به بعد از مزایای اجتماعی و اقتصادی و رفاهی خانواده‌ها آشکارا تبعیض‌آمیز بود؛ بنابراین در پی انتقاداتی که از این قانون صورت گرفت و تعدیل رویکردهای واکنشی دهه ۷۰ دولت و نهادهای تقنینی، قانون اصلاح تنظیم خانواده، مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۲ با هدف تعدیل موانع و محدودیت‌های قانون پیشین تصویب شد. این قانون با الحاق یک تبصره، به ماده یک قانون، مقرر داشت فرزند چهارم خانواده‌هایی که یکی از ۳ فرزند آنها از شمول حمایت‌های قانون خارج شده‌اند، همچنین فرزندان چهارم خانواده‌هایی که فرزند یادشده حاصل از دو یا چند قلو بودن زایمان است، از محدودیت‌های گفته‌شده در ماده ۱ این قانون مستثنا هستند.

قانون تسهیل ازدواج جوانان، مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۷

قانون تسهیل ازدواج جوانان، مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۷ دولت را مکلف می‌کند به منظور توانمندسازی جوانان برای تشکیل خانواده، امکانات و تسهیلات لازم را فراهم آورد: ۱ - تأسیس صندوق اندوخته جوانان (ماده ۱)؛ ۲ - ساخت‌وساز مسکن و واحدهای ساختمانی به‌عنوان «مسکن موقت» (ماده ۳)؛ ۳ - فرهنگ‌سازی و ترویج الگوهای مطلوب ازدواج (ماده ۵)؛ ۴ - ارائه و اجرای طرح جامع آموزش و مشاوره پیش و پس از ازدواج (ماده ۸). با این حال اجرای قانون تسهیل ازدواج در عمل به تصویب آیین‌نامه اجرایی این قانون در هیئت دولت و تصویب اساسنامه اندوخته جوانان توسط مجلس شورای اسلامی موکول شده است، که تا کنون عملی نشده است.

قانون مدیریت خدمات کشوری

بر اساس بند ۴ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، کمک به هزینه‌ی عائله‌مندی و

اولاد به کارمندان مرد شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر مشمول این قانون که دارای همسر می‌باشند، معادل (۸۰۰) امتیاز، برای هر فرزند معادل (۲۰۰) امتیاز و حداکثر سه فرزند. حداکثر سن برای اولادی که از مزایای این بند استفاده می‌کنند به شرط ادامه تحصیل و نیز غیر شاغل بودن فرزند، (۲۵) سال تمام و نداشتن شوهر برای اولاد اناث خواهد بود. کارمندان زن شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر مشمول این قانون که دارای همسر نبوده و یا همسر آنان معلول یا از کارافتاده کلی است یا خود به‌تنهایی متکفل مخارج فرزندان هستند از مزایای کمک هزینه عائله‌مندی موضوع این بند بهره‌مند می‌شوند. فرزندان معلول و از کارافتاده کلی به تشخیص مراجع پزشکی ذی‌ربط مشمول محدودیت سقف سنی مزبور نمی‌باشند.

طرح آئیه مهر امام رضا(ع)، مصوب ۱۳۸۸ / ۸ / ۸

آیین نامه تأمین آئیه مهر امام رضا(ع)، مصوب ۱۳۸۸ / ۸ / ۸ هیئت وزیران به‌منظور تأمین آینده فرزندان ایرانی و برای مشارکت و حمایت از تهیه مسکن، ازدواج، اشتغال و تحصیل آنان، حساب سپرده پس‌اندازی را برای هر نوزاد ایرانی پیش‌بینی کرده است (ماده ۲). آیین‌نامه این طرح به این شرح است: - متولدان اول فروردین سال ۱۳۸۹ به بعد که پس از تاریخ این مصوبه توسط مجری (بانک ملی ایران) برای آنها حساب سپرده بلند مدت افتتاح می‌شود، مشمول طرح خواهند بود؛ - موجودی اولیه: مبلغ ۱۰ میلیون ریال که توسط مجری به حساب نوزاد واریز می‌شود؛ - سن برداشت: حداقل ۲۰ سالگی برای برداشت ۱۰ میلیون ریال وجه اولیه و ۱۸ سالگی برای وجوهی که طی سال‌های دوم به بعد توسط والدین واریز می‌شود.

تأمین اجتماعی

قانون تأمین اجتماعی، حقوق فراوانی برای افراد تحت شمول بیمه مقرر کرده است: از جمله غرامت دستمزد که در دوران بارداری پرداخت می‌شود؛ کمک هزینه ازدواج، مبلغی است که طبق شرایط خاصی برای فراهم کردن هزینه‌های ازدواج به بیمه شده پرداخت می‌شود و کمک هزینه عائله‌مندی که مبلغی است که - طبق شرایط خاص - در ازای علاقه‌مندی توسط کارفرما به بیمه‌شده پرداخت می‌شود (ماده ۲).

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱

برخلاف عنوان کلی آن، قانون‌گذار بیشتر بر شیوه حل و فصل دعاوی خانوادگی متمرکز شده و از پیش‌بینی بسیاری از سازوکارهای حمایتی ممکن برای تسهیل تشکیل و استحکام خانواده بازمانده است. البته با آنکه ضرورت حمایت از خانواده در قانون اساسی در اصول فراوانی پیش‌بینی شده و قانون‌گذار عادی باید قوانین لازم برای تحقق آنها وضع کند، ولی احتمالاً سیاست تقنینی قانون‌گذار در قانون حمایت از خانواده بر این بوده که با پرهیز از افزایش بار مالی دولت، از مداخله در امور خانواده پرهیز کند و نقش داور در رفع اختلافات را بر عهده بگیرد.

زن خانواده محور

خانواده در دولت احمدی‌نژاد، مهمترین عنصر گفتمانی در گفتمان زنان محسوب می‌گردد. دولت احمدی‌نژاد در بدو شکل‌گیری در اولین اقدام مرتبط با حوزه زنان به تغییر نام مرکز امور مشارکت زنان به مرکز زنان و خانواده می‌پردازد. حذف عنوان مشارکت و جایگزینی عنوان خانواده نمایان‌کننده تغییر رویکرد دولت عدالت با دولت اصلاحات است و این دولت با این اقدام خواهان تغییر مسیر مسائل زنان از گفتمان غرب بر گفتمان اسلامی است؛ که این امر در نگاه کلان دولت نیز مورد توجه بوده است (سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹). حضور و نقش اصلی زنان در دولت، در خانواده تعریف می‌گردد. احمدی‌نژاد حیطه اثرگذاری نقش زنان در خانواده را در سطح اجتماعی تبیین می‌نماید و معتقد است اگر زن‌ها در دنیا آن نقش زن، مادر، همسر و خواهر بودن خودشان را که زیباترین نقش عالم هستی است، به‌خوبی ایفا کنند، می‌توانند همه عالم و جامعه را اداره کنند (سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹).

۵- دولت حسن روحانی (دولت تدبیر و امید)

روحانی با گفتمان اعتدال وارد کارزار انتخاباتی شد و گفتمان او از سوی مردم نیز مورد پذیرش قرار گرفت. اعتدال‌گرایی به این مفهوم تلقی می‌شود که وزارت خارجه از طریق دیپلماسی، وزارت دفاع از طریق پشتیبانی صنایع دفاعی و سایر نهادها و نیروهای نظامی و امنیتی هم در جای خود به‌صورت متوازن، در سیاست خارجی نقش‌آفرینی کنند و سیاست خارجی به

نفع هیچ‌یک از این ساختارها قطبی و متمایل نشود. نتایج این سیاست خارجی ایران در روابط بین‌الملل را نیز می‌توان در پیگیری اصول مختلفی نظیر تعامل سازنده با دنیا، امنیت طلبی مثبت، عدالت‌طلبی، تحول‌گرایی معقول در نظام بین‌الملل، چند جانبه‌گرایی متوازن، توسعه‌گرایی متوازن، کمال‌گرایی، صلح‌طلبی، منزلت‌طلبی و تکلیف‌گرایی معطوف به نتیجه شاهد بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۷ - ۷).

حسن روحانی زمانی که قبل از ریاست جمهوری، رئیس مرکز مطالعات استراتژیک بود، اعتقاد داشت که سیاست‌های جمعیتی از سیاست‌های کلی نظام است؛ یعنی سیاست‌هایی که باید در مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بحث و بررسی قرار گیرد و در نهایت به‌عنوان پیش‌نویس خدمت مقام معظم رهبری تقدیم شود و بعد از امضای ایشان ابلاغ شود. مسئله تعیین نرخ رشد جمعیت در کشور جزء مواردی است که باید در مجمع تشخیص مصلحت مورد بررسی قرار گیرد و اگر قرار باشد تصمیم جدیدی در رابطه با سیاست‌های جمعیتی کشور گرفته شود، باید مجمع تشخیص مصلحت نظام در رابطه با آن تصمیم‌گیری کند. روحانی معتقد بود: «البته باتوجه‌به وضعیت کنونی جامعه و مسئله بیکاری گمان نمی‌کنم تشویق جامعه به رشد جمعیت مفید باشد. اگر ما می‌توانستیم مسئله بیکاری را به‌طور کامل در کشور حل کنیم آن وقت شاید می‌شد به مسئله افزایش جمعیت فکر کرد، ولی در حال حاضر این مسئله اصلاً به صلاح نیست» (امیدی و قلمکاری: ۱۳۹۸).

سیاست‌های کلی جمعیت، ابلاغی مقام معظم رهبری مصوب ۱۳۹۳/۲/۳۰

تصویب سیاست‌های کلی جمعیت از سوی مقام معظم رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام، یک اقدام اساسی برای کاهش آشفتنگی و ناهم‌نواپی در سیاست کشور در حوزه جمعیت بود. این سند حقوقی طی ۱۴ بند، سیاست نسبتاً جامع و فرا بخشی را برای مدیریت بخشی شاخص‌های جمعیتی در ایران ایجاد کرد. نکته مهم در این سیاست، پرهیز از سیاست مداخله و کنترل آماری جمعیت است که تا پیش از این همواره دست‌مایه قانون‌گذار در تصویب قوانین جمعیتی بوده است. نکته مهم دیگر این سند، توجه به موضوع مهم ارتباط نزدیک شاخص‌های جمعیتی با حوزه‌های دیگر به‌ویژه محیط‌زیست است که در بند ۹ گفته شده است. بر اساس آن جمعیت کشور باید متناسب با ظرفیت زیستی سرزمین، بازتوزیع فضایی

و جغرافیایی شود. همچنین توجه به جمعیت‌پذیری در مناطق کم‌جمعیت و محروم و توسعه امکانات در این مناطق از رویکردهای مهم این سند است.

۶- دولت سید ابراهیم رئیسی (کار و کرامت)

با توجه به اینکه تا زمان نگارش این مقاله هنوز مدت زیادی از استقرار دولت آقای رئیسی نگذشته، ولی با این حال مشخص گردیده که نظر این دولت در انجام سیاست‌های جمعیتی در راستای تشویق خانواده‌ها برای افزایش فرزند آوری و تسهیل ازدواج جوانان است. بهترین شاهد این ادعا پیگیری تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در جلسه مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۴ کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی و ابلاغ آن طی نامه شماره ۹۳۹۸۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۴ توسط رییس‌جمهور به دستگاههای ذیربط می‌باشد. طبق ماده یک این قانون، به منظور راهبردی نمودن، برنامه‌ریزی، ارزیابی کلان و نظارت بر اجرای این قانون با رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، ستاد ملی جمعیت به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

سیاست جمعیتی دولت‌ها گاهی بر افزایش و گاهی نیز بر کاهش جمعیت قرار داشت و برحسب شرایط و مقتضیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه‌ها متفاوت بوده است. بنابراین دولت‌ها بر اساس اهداف متنوع خود و در چارچوب ساختار اقتصادی و اجتماعی کشورشان، تدابیر معینی را به کار می‌بندند، تا ساخت و حرکات جمعیت را نیز در حد امکان با این اهداف هماهنگ و متعادل سازند. سیاست‌های جمعیتی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی را نیز می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱- دوره اول از استقرار نظام جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۶۷ هرچند سیاست مشخص و مدونی وجود نداشت، اما جهت‌گیری کلی در جهت تکثیر مولید و افزایش جمعیت بود (دولت بازرگان و رجایی و میرحسین موسوی)؛

۲- دوره دوم سیاست‌های جمعیتی در واکنش به مشکلات ناشی از رشد انفجاری جمعیت و با هدف تعدیل نرخ رشد سالانه جمعیت و ایجاد تعادل میان شاخص‌های رشد و توسعه

اقتصادی و رشد جمعیت در سال ۱۳۶۷ تصویب و در سال ۱۳۶۸ به اجرا درآمد (دولت‌های آقایان هاشمی رفسنجانی و خاتمی)؛

۳- دوره سوم که از سال ۱۳۸۵ آغاز می‌شود با این استدلال که استمرار باروری زیر سطح جایگزینی می‌تواند پیامدهای گوناگونی در زمینه سالخوردگی جمعیت، کاهش حجم و رشد جمعیت ملی و... داشته باشد، انتقادهایی از سیاست‌های کنترل جمعیت مطرح و زمینه را برای تغییر رویکرد سیاست‌های جمعیتی در جهت تشویق تکثیر موالیید فراهم کرد.

نتایج نشان می‌دهد، مطابق با تغییر و تحولات تاریخی و همچنین فرایندهای شکل یافته و چرخش‌های صورت گرفته در رویکردهای توسعه دولت‌ها، سیاست‌های جمعیتی آنها تغییر یافته است. دولت‌های، هاشمی رفسنجانی و خاتمی و روحانی، که با رویکرد مکتب نوسازی توسعه و با شاخص‌هایی همچون توزیع عادلانه درآمد، نیازهای اساسی، توسعه انسانی، زن در توسعه، توسعه پایدار، درصد تدوین برنامه رشد و توسعه اقتصادی آمدند، سیاست‌های کاهش جمعیت را، از طریق پیاده‌سازی نظریه انتقال جمعیت اجرا کردند. این دولت‌ها تلاش کردند تا با تعمیم تجربه تحولات جمعیتی کشورهای غربی، به ایران، جمعیت کشور را تحت تأثیر مدرنیزاسیون قرار دهند و با ایجاد تغییر در ساختار خانواده، رشد جمعیت را به تدریج کاهش دهند و باعث ایجاد تغییراتی در ساختار جمعیتی کشور گردند. به صورتی که پس از آنکه گذار جمعیتی اول را پشت سر می‌گذارند، و میزان باروری زنان به سطح جانشینی و یا زیر سطح جانشینی کاهش می‌یابد، به تدریج، بسته به نوع ساختار فرهنگی و اجتماعی کشورها، تغییراتی در وضعیت زناشویی و ازدواج آنها رخ می‌دهد. این تغییرات شامل کاهش تشکیل خانواده و ازدواج، افزایش تشکیل زندگی بدون ازدواج، کاهش عمومی در باروری، افزایش موالیید خارج از ازدواج، افزایش طلاق‌ها، تأخیر در ازدواج و فرزندآوری، کاهش بعد خانوار، افزایش میزان اشتغال زنان و استقلال مالی آنها و... است که در نتیجه زمینه را برای کاهش رشد جمعیت فراهم می‌سازد. در مقابل، برخی دولت‌ها، دولت‌های دهه اول انقلاب و دولت احمدی‌نژاد، معضلات جمعیتی کشور را ناشی از حلقه‌های وابستگی به کشورهای غربی می‌دانستند و با تمرکز بر ساختارهای نابرابر و استعمارگونه، شکل‌گیری تغییرات مختلف در نهاد خانواده را معلول نظام وابستگی و اختلال در ساختار اجتماعی و اقتصادی و... توسط کشورهای غربی می‌دانست.

منابع:

- احمدی، بتول و دیگران (۱۳۸۵)، امید زندگی بیشتر و جمعیت سالمندی کمتر در زنان ایرانی، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره چهارم، شماره ۲.
- امانی، مهدی (۱۳۷۹)، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران، سمت، ص ۶۵.
- امیدی، علی و آرمین قلمکاری (۱۳۹۸)، مقایسه دولتهای خاتمی، احمدی نژاد و روحانی (۱۳۷۶ - ۱۳۹۶)، تحلیل رابطه سیاست خارجی و توسعه اقتصادی، سال سیزدهم، شماره ۴۶، ص ۴۷ - ۷۲.
- بهنام، جمشید (۱۳۴۶)، جمعیت‌شناسی عمومی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- دفتر سلامت خانواده و جمعیت (۱۳۸۹)، جمعیت و تنظیم خانواده در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، تهران.
- بلادی موسوی، صدرالدین (۱۳۷۹)، بررسی تحول ازدواج در ایران (۱۳۳۵، ۱۳۷۵)، فصلنامه جمعیت، شماره ۲۷.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، جامعه امن در گفتمان خاتمی، تهران: نشر نی.
- دفتر سلامت خانواده و جمعیت (۱۳۸۳)، جمعیت و تنظیم خانواده در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال الدین (۱۳۹۳)، گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۱، ۱-۳۹.
- رحیمیان فرشاد (۱۳۹۷)، آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری جمعیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه جمعیت، سال بیست و پنجم، شماره ۱۰۵، ۱۵۱-۱۲۷.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۷)، مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، جلد اول.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، گزارش عملکرد دولت (۸۰ - ۱۳۷۶)، تهران: مرکز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۸۰، صص ۸۷ - ۸۸.
- سازمان برنامه‌وبودجه (۱۳۷۸)، سند برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی، پیوست شماره ۲ لایحه برنامه، جلد اول.

- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸)، قانون برنامه دوم اقتصادی، چاپ اول.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۲)، مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، جلد اول.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸)، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران. تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳)، مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، جلد اول و دوم.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۵)، مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، جلد اول و دوم.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۹)، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- سلیمی، حسین ۱۳۷۵، «تأملی در نظریه نظام جهانی» ماهنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۰۷ - ۱۰۸
- سووی، آلفرد؛ مقدمه بر علم جمعیت، جمشید بهنام، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۰، ص ۹۳-۹۴.
- حسینی (۱۳۹۴)، سیاست‌های جمعیتی و فرا بارورهای آن؛ سیاست متعالیه. سال سوم. شماره ۱۰. ص ۷۵-۹۴.
- حلم سرشت، پریش؛ دل‌پیشه، اسماعیل (۱۳۸۵)، جمعیت و تنظیم خانواده (ویرایش سوم)، تهران: نشر چهر.
- عباسی شوازی و اوجاق (۱۳۹۸)، گفتمان‌های جمعیتی در ایران: سیاست و بازتولید رسانه‌ای فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم. شماره ۹۷.
- عظیمی، حسین، «تحلیل شرایط و سیاست‌های اقتصادی در دوره جنگ ایران و عراق»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، سال هشتم، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۸۰.
- کاوه فیروز، زینب (۱۳۸۰)، بررسی تغییرات سیاست‌های کنترل جمعیت و تأثیر آن بر تحولات باروری در ایران: در طی سه دهه اخیر، پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.

- کلانتری، صمد (۱۳۷۸)، جمعیت و تنظیم خانواده، اصفهان، فروغ ولایت.
- کلانتری، صمد (۱۳۷۵)، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران، مانی، ص ۹۷.
- مک کبین، بیل (۱۳۸۲)، تأملی درباره خانواده تک فرزندی، مجله سیاحت غرب، آذر ۱۳۸۲، شماره ۶.
- محتشمی، بتول (۱۳۸۴)، گزارش اجرای ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، تهران: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری
- محمدی منوچهر، مولانا، حمید (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره احمدی‌نژاد، تهران، نشر: دادگستر
- محمودی محمدجواد (۱۳۹۵)، سالخوردگی جمعیت یک مسئله اجتماعی؛ فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال نوزدهم، شماره ۷۳.
- مهریار، امیر هوشنگ (۱۳۹۳)، «جمعیت ایران و تحولات آن در نیم قرن گذشته». سیاست کلان. سال ۳، ش ۳.

-Arghavani Pirsalami, Fariborz (2013) Third Worldism and Ahmadinejad's Foreign Policy Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 4, No. 2, pp. 81- 109.

-Albareda, L., Lozano J.M. and Ysa, T. (2007), "public policies on corporate social responsibility: the role of governments in Europe", Journal of Business Ethics, Vol.74 No. 4, pp.391- 407

-Hermawan. Ferry. Tutik, Rachmawati. Herry Ludiro Wahyono (2015).

-Lassila, Jukka, Tarmo, Valkonen, Juha M. Alhub (2014). Demographic forecasts and fiscal policy rules, International journal of Forecasting. 30(4):1109 - 1108.

-Patrick George, Aylin Seçkin (2016). From pro-natalist rhetoric to population policies in Turkey? An OLG general equilibrium Analysis. Economic Modelling. Volume 56, pages 79- 93.

-Sugin Ge, Dennis Tao Yang, Junsen Zhang (2018). Population policies, demographic structural changes, and the Chinese household saving puzzle. European Economic Review Volume 101, Pages 181- 209.

-Wallerstein, I (1980) The Modern World System, Vol. II: Mercantilism and the Consolidation of the European world Economy, 1600 - 1750. New York: Academic Press.